

مقایسه تطبیقی در اهمیت کیفیت طراحی فضاهای اجتماع پذیر در سه دانشگاه علم و صنعت ایران، الزهرا (س) و تهران

^۱ سیدعلی شریفیان، مریم قلمبردزفولی*^۲

^۱ دکتری معماری، گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
^۲ استادیار، گروه شهرسازی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران. نویسنده مسئول.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

چکیده

وجود فضاهای اجتماع پذیر موفق از مهم ترین جلوه های تحقق پایداری اجتماعی در فضاهای دانشگاهی است. تعامل و حضور دانشجویان در فضاهای دانشگاهی از جمله عواملی است که می تواند در رشد اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دانشجویان موثر باشد. سوال اصلی پژوهش بررسی تاثیر نوع فضا در شکل گیری تعاملات اجتماعی در بین دانشجویان است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی - پیمایشی می باشد و ابزار مطالعه پرسشنامه می باشد. در بررسی متغیرها نیز، روابط بین مولفه ها بعد از تحلیل نموداری با نرم افزار spss 22 معین شد. اطلاعات مورد نیاز از ۳۸۶ نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در سه دانشگاه علم و صنعت ایران، الزهرا(س) و دانشگاه تهران (دانشکده های هنر و معماری) با استفاده از نمونه گیری تصادفی جمع آوری شده است. برای آزمون فرضیات از دو آزمون پارامتریک آنوا و ناپارامتریک میانه استفاده گردیده است. یافته های حاصل از ثبت مشاهدات میدانی و تحلیل مؤلفه های اجتماع پذیری در نقاط کانونی در موردهای مطالعاتی، عوامل مؤثر بر شکل گیری تعاملات اجتماعی در این فضاها استخراج شد. دانشجویان با اتمام ساعات کلاسی (فعالیت اجباری) تمایل به ماندن در دانشگاه برای انجام (فعالیت اجتماعی) فارغ از مسافت دور یا نزدیک با محل سکونت خود را دارند. این موضوع اهمیت نیاز به وجود مکان های اجتماع پذیر در محیط های دانشگاهی را بیان می کند. به طور کلی امکان ایجاد ارتباط با دیگران و تعاملات اجتماعی برای دانشجویان در رستوران، بوفه و چایخانه بیشتر و بعد از آن در محوطه و حیاط و سپس راهرو و لابی امکان ارتباط وجود دارد. نتایج نشان داد که ویژگی های طراحی متفاوت در اهمیت مولفه های موثر بر تعاملات اجتماعی موثر نبوده است. همچنین از سویی دیگر بین ۳ دانشگاه تفاوت معناداری در اهمیت موضوع در شکل گیری تعاملات اجتماعی و همچنین علت های توقف در فضاهای دانشگاه وجود دارد.

واژگان کلیدی: فضاهای اجتماع پذیر، مراکز آموزشی، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه تهران.

* نویسنده مسئول: E-mail: Mary.Ghalambor@iau.ac.ir

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تبیین مولفه های اثر بخشی به اجتماع پذیری در فضاهای معماری و ارائه راهکارهایی برای افزایش اجتماع پذیری (نمونه موردی؛ مراکز دانشگاهی شهر تهران)" می باشد که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان انجام شده است.

مقدمه

ایجاد و بازآفرینی فضاهای عمومی اجتماع پذیر به عنوان محل‌هایی برای تعاملات اجتماعی و به منظور ایجاد محیط‌های آموزشی پایدار، یکی از اهداف مهمی است که در دهه اخیر توجه زیادی به خود جلب کرده است. در محیط‌های شهری، دانشگاه‌ها از جمله فضاهای کلیدی هستند که دانشجویان بیشترین ساعات روز را در مهمترین سال‌های الگوپذیری و یادگیری خود در آنها می‌گذرانند. این محیط‌ها نقش بسزایی در ارتقای توانایی‌های افراد دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که فضاهای آموزشی می‌توانند به رشد یادگیری یا ممانعت از آن کمک کنند. باتوجه به اینکه زندگی اجتماعی دانشجویان هم در فضاهای رسمی و هم غیررسمی دانشگاه‌ها می‌تواند بر فرآیند یادگیری تأثیرگذار باشد، این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تفاوت‌های معنادار در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و دلایل توقف در فضاهای دانشگاه به وجود می‌آید. همچنین به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه نوع فضاهای مختلف در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان دانشجویان سه دانشگاه علم و صنعت ایران، الزهرا (س)، و دانشگاه تهران تفاوت ایجاد می‌کند.

این پژوهش با رویکردی کیفی-کمی و با استفاده از روش همبستگی-پیمایشی به مطالعه تطبیقی این سه دانشگاه پرداخته است. نوع و نحوه تعاملات دانشجویان و عوامل محیطی تأثیرگذار بر تسهیل یا محدودیت این تعاملات مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه‌های لازم از طریق مطالعات متون و مبانی نظری استخراج و در قالب پرسشنامه‌ای در میان دانشجویان سه دانشگاه مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های متعدد به موضوع تعاملات جمعی در فضا و همچنین اجتماع‌پذیری پرداخته شده است، از جمله توسط ادوارد هال. او فضاها را به دو دسته محیط‌های اجتماع‌پذیر و محیط‌های اجتماع‌گریز تقسیم‌بندی نمود. محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب تعاملات جمعی می‌شوند، در حالی که محیط‌های اجتماع‌گریز تعاملات را کاهش می‌دهند (Hall, 1966 & Petita).

در مطالعه‌ای توسط لندسديل و همکاران (۲۰۱۱)، بیان شده است پلان‌های باز برخلاف تصور رایج، تأثیر مثبتی بر افزایش تعاملات نداشته‌اند. بلکه، فقدان حریم شخصی و افزایش سر و صدا در این فضاها، موجب کاهش رضایت کاربران شده است (Lansdale et al., 2011). لذا در محیط آموزشی و پژوهشی، تأمین فضایی برای خلوت به اندازه تأمین فضا برای تعاملات اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. در پژوهشی دیگر، تحلیل نحوه‌ی استفاده و اولویت‌های دانش‌آموزان در بهره‌برداری از فضا در زمان‌های غیردرسی پرداخته است. معیارهایی که برای ارزیابی کیفیت فضاهای آموزشی به کار گرفته شدند شامل: دسترسی، خوانایی و قابل فهم بودن فضا، تعیین حدود فضایی، سیرکولاسیون، ویژگی‌های کالبدی و مبلمان بودند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که وسعت فضاها (اعم از داخلی و خارجی) و متنوع بودن محیط از جمله عوامل کلیدی در شکل‌دهی به اولویت‌های مکانی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. اندازه فضا مهم است زیرا وقتی دانش‌آموزان در فضایی احساس ازدحام می‌کنند از آن دوری می‌کنند، و تنوع مهم است زیرا افراد با جنسیت‌ها و سنین مختلف، نیازهای متفاوتی به ریزفضاهای متفاوت دارند. علاوه بر این، مشخص شد که مؤلفه‌های محیطی دیگری مانند آرایش فضایی، نورپردازی طبیعی و مصنوعی، آکوستیک و دیدپذیری نیز بر ترجیح دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند (Dogan & Kasali, 2010). دانشپور و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر حفظ و تداوم حیات جمعی و کیفیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی پرداخته‌اند.

مطالعه حمزه‌نژاد و قلیچی (۱۳۹۷) تأکید می‌کند که حضور عناصر طبیعی و مبلمان نیمه‌ثابت از الزامات طراحی فضاهای جمعی است، در حالی که عواملی مانند برنامه‌ریزی نامناسب فضایی، توسعه غیرمتمرکز و کمبود امکانات عمومی می‌توانند مانع شکل‌گیری تعاملات اجتماعی گردند. کربلایی و همکاران (۱۳۹۷) نیز بر اهمیت چیدمان فضایی مناسب در مجتمع‌های فرهنگی تأکید کرده‌اند. شجاعی و همکاران (۱۳۹۴) برای سنجش اجتماع‌پذیری فضاها، مدلی مفهومی شامل سه بعد اجتماعی، کالبدی

و فعالیتی را تدوین نمودند. شریفیان و همکاران (۱۴۰۰) شش عامل مبلمان، راحتی و آسایش فیزیولوژیک، امنیت و قلمرو، فضای ورزشی و ورودی، فضای عمومی باز و بسته مشترک، فرم و الگوی معماری و امکان مجاورت چهره‌به‌چهره را به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی معرفی می‌کنند. وجود مبلمان که تسهیل‌کننده استفاده مستقیم از محیط است، می‌تواند عاملی باشد برای افزایش ماندگاری و مدت توقف افراد (صالحی‌نیا، ۱۳۸۸). همچنین، مبلمان نیمه‌ثابت که قابلیت تغییر مکان توسط افراد را دارد، به تشکیل قرارگاه رفتاری و اجتماع‌پذیری کمک می‌کند (Lang, 1987). بر اساس دیدگاه راسل و اسنودگراس (۱۹۸۷)، کیفیت هیجانی و عاطفی محیط اهمیت بالایی در ارتباط فرد با محیط دارد، زیرا می‌تواند بر سلامتی و تندرستی تأثیر بگذارد. صالحی‌نیا نیز در پایان‌نامه دکترایش به بررسی اجتماع‌پذیری فضای عمومی پرداخته است (صالحی‌نیا، ۱۳۸۸). تمام این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در هر محیط، فضای کالبدی به مثابه سامانه‌ای فضایی عمل می‌کند که ویژگی‌های آن بر تعاملات جمعی مؤثر است (Pasalar, 2004). در این مطالعات، رابطه میان سازماندهی اجتماعی و ساختار محیط بررسی می‌شود. مولسکی و لنگ بیان داشته‌اند که فضاهای فیزیکی باید به نحو ایده‌آل از رفتارها و رویدادهای رفتاری پشتیبانی کنند (Lang, 1987; Lang & Moleski, 1986). بنابراین، آنچه ذکر شد نشان‌دهنده این است که اجتماع‌پذیری به صورت مستقیم با انسان‌ها و آداب اجتماعی آنها مرتبط است. بهترین روش برای دستیابی به فاکتورهای لازم در طراحی بر مبنای پایداری تعاملات اجتماعی، مطالعه کاربران فضا است. زیرا اجتماع‌پذیری بر اساس سه محور تعریف می‌شود: (۱) نیازهای انسانی، (۲) ارتقای کیفیت فضا، (۳) مطابقت الگوهای رفتاری - زیستی با الگوهای کالبدی فضا. با تحلیل این موارد و استفاده از نتایج آنها در طراحی معماری، می‌توان به پایداری اجتماعی فضا دست یافت. در این راستا دو روش تحقیقاتی برای بررسی این محورها پیشنهاد می‌شود: الف) روش‌های پژوهشی روانشناختی - جامعه‌شناختی، ب) روش منطقی - چیدمان فضا. بر این اساس، دسترسی به یک فضای جمعی یکی از فاکتورهای مؤثر در افزایش مطلوبیت و تعاملات اجتماعی است، زیرا قابلیت دسترسی بالا احتمال برخوردهای اجتماعی در فضا را افزایش می‌دهد.

تیتراهای اصلی مبانی نظری

انسان و نیاز او به تعاملات اجتماعی

انسان‌ها ذاتاً موجودات اجتماعی هستند و همواره در جستجوی مکان‌هایی‌اند که بتوانند به جمع‌هایی ملحق شوند. برای ایجاد فضایی به یادماندنی که در آن امکان تعامل و معاشرت فراهم باشد، نیاز به مکان‌های خاص و ویژه احساس می‌شود. این مکان‌های تجمع ممکن است در اطراف فواره‌ها، آثار هنری، سکوها یا بناهای یادبود قرار گیرند. این فضاها معمولاً شامل نشیمن‌هایی هستند که افراد می‌توانند در آنها استراحت کنند، لبه‌هایی برای تکیه دادن و مکان‌هایی برای پناه‌بردن از آفتاب یا باران دارند. به این ترتیب، حتی کسانی که با یکدیگر آشنا نیستند نیز با احوالپرسی‌های کوتاه می‌توانند دلیلی منطقی برای حضور یکدیگر در این مکان‌ها بیابند (لنارد و لنارد، ۱۳۷۷، ۴۵-۴۴، ۸۲-۸۱). عوامل کالبدی در این فضاها نقش عمده‌ای در فعال‌سازی ابعاد اجتماعی دارند و می‌توانند زمینه‌ساز ورود و توقف افراد در فضا شوند. عواملی چون دسترسی، جاذبه‌های بصری و شرایط طبیعی از جمله این عوامل هستند. در این میان، دسترسی به یک فضای جمعی به عنوان یکی از فاکتورهای مؤثر در افزایش مطلوبیت و تسهیل تعاملات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است (Peters et al., 2010, 93-100). زیرا قابلیت دسترسی بالا احتمال بروز تعاملات اجتماعی در فضا را افزایش می‌دهد (Fisher, 2009).

این نکات بیانگر این است که طراحی فضاهای عمومی باید براساس ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی صورت گیرد تا بتوان تجربه‌ای مثبت و به یادماندنی برای کاربران فراهم کرد. به این ترتیب، وجود این تعاملات در فضا به آن ارزش و معنایی فراتر از یک فضای ساده می‌بخشد و آن را به مکانی برای زندگی اجتماعی تبدیل می‌کند. بنابراین، فضاهایی که بستری برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورند، باید به عنوان مکان‌هایی برای ارتباط و تعامل در نظر گرفته شوند. در این زمینه، یکی از نخستین و

جامع‌ترین تعاریفی که از مکان مطرح شده، توسط کانتر ارائه گردیده است. طبق مدل کانتر، مکان به بخشی از فضای طبیعی یا ساخته‌شده توسط انسان اشاره دارد که دارای حدود و ویژگی‌های خاصی از نظر مفهومی یا مادی است. این مکان نتیجه تعامل میان عوامل رفتاری، مفاهیم قابل درک توسط انسان و ویژگی‌های کالبدی محیط است (Canter, 1977). نقل از لنگ، ۱۵، ۱۳۸۱). بر اساس این تعریف، یک مکان از جنبه‌های کالبدی، فعالیت و معنایی برخوردار است که هر یک می‌توانند در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی تأثیرگذار باشند. توجه به این جنبه‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی و افزایش حس تعلق به مکان در کاربران بیانجامد.

مکان

مکان، یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه به عنوان نخستین نقطه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان شناخته می‌شود. به همین دلیل، مکان سرشار از معنا، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی است (Relph, 2007). نقل از میرمقتدایی، ۱۳۸۸). با این حال، هر مکان با توجه به کاربری خاص خود، نیازمند ویژگی‌های کالبدی متفاوتی است. این ویژگی‌ها بر نوع فعالیت‌هایی که در آن مکان جریان دارد تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، یک پارک عمومی می‌تواند فضایی مناسب برای تفریح و تعاملات اجتماعی فراهم آورد، در حالی که یک کتابخانه بیشتر به مکانی برای مطالعه و تنهایی شناخته می‌شود. بنابراین، میزان تأثیر هر یک از این عوامل در تعاملات اجتماعی در فضاهای گوناگون می‌تواند متفاوت باشد. در برخی فضاها، طراحی مناسب و ویژگی‌های کالبدی می‌توانند موجب تقویت تعاملات اجتماعی شوند، در حالی که در جاهای دیگر ممکن است به دلیل محدودیت‌های فضایی یا عدم دسترسی، ارتباطات اجتماعی محدود گردد. لذا در طراحی فضاهای عمومی باید به این نکته توجه شود که چطور می‌توان از ویژگی‌های کالبدی و کاربری لمفید برای افزایش تعاملات اجتماعی بهره برد.

فضا و مکان تعاملی

فضاهایی که در مسیرهای پرتدد قرار گیرند، به کانون تعاملات اجتماعی تبدیل می‌شوند (لنگ، ۱۸۵، ۱۳۸۱). در یک مکان تعاملی، فضای کافی برای جذب مردم و تشویق به تعامل وجود دارد که به افزایش ارتباطات اجتماعی کمک می‌کند (Gehl, 1987, 89-102). به عنوان مثال، اندازه فضا به عنوان عاملی دوگانه عمل می‌کند - از یک سو باید به اندازه کافی وسیع باشد تا امکان تجمع، تحرک و برقراری تعاملات گروهی را فراهم کند، و از سوی دیگر چنان بزرگ نباشد که منجر به احساس گم‌شدگی کاربران یا کاهش صمیمیت محیط شود. برای نمونه، در مطالعاتی که روی دو فضای عمومی تیم پارک و گافرت پارک انجام شده، مشخص شد که علی‌رغم اندازه کوچکتر تیم پارک، جو صمیمی‌تری در آن وجود دارد. در مقابل، در گافرت پارک به دلیل اندازه بزرگ‌تر، تعاملات تصادفی کمتر شکل می‌گیرد (Peters et al., 2010). بنابراین، هنگامی که ابعاد یک فضا مشخص می‌شود، توجه به فرم آن نیز حائز اهمیت است. به عنوان مثال، راهروهای باریک و بلند انواع متفاوتی از تعاملات را نسبت به یک فضای بزرگ و مستطیلی شکل ایجاد می‌کنند. مسیر و مرکز، دو عنصر اساسی در هر نوع سازمان‌دهی فضایی به شمار می‌روند. یکی از این دو، نمایانگر حرکت و در ارتباط با زمان است، در حالی که دیگری نمایانگر آرامش و ارتباط با دیگران می‌باشد (گروتر، ۴۲۲، ۱۳۷۵). فضایی که به تناسب خود القا کننده مکث و نشستن باشد، می‌تواند گروه‌ها را بیشتر به خود جلب کند (لنگ، ۱۸۰، ۱۳۸۱). در نتیجه، طراحی فضاهای عمومی باید با دقت به ابعاد و فرم آنها توجه کند تا بتواند تجربه‌های اجتماعی مثبتی را برای کاربران فراهم آورد و به ایجاد جوامع زنده‌تر و تعامل‌پذیرتر کمک کند.

مکان و تعاملات اجتماعی

زمینه‌ی اجتماعی درک شده از مکان به عنوان یک مجموعه از معانی کارکردی، انگیزشی و ارزیابی‌های مرتبط با محیط فیزیکی است که به کاربران حاضر و آینده منتقل می‌شود (Oddvar & Tommy, 1997, 181-198). این معانی که به یک مکان خاص نسبت داده می‌شوند، اغلب انعکاس ویژگی‌های کالبدی و تعاملات اجتماعی‌ای هستند که در آن مکان اتفاق می‌افتند (Eisenhauer et al., 2000, 421-441). مکانی که برای تعامل اجتماعی طراحی شده است، نه تنها باید شامل عناصر ظاهری

و عملکردی باشد، بلکه باید به فعالیتهای اجتماعی، شناخت و درک اجتماعی افراد نیز توجه داشته باشد (کارمونا، ۲۱۹، ۱۳۸۸). به بیان دیگر، در فضاهای عمومی، فعالیتها به عنوان عوامل حمایتی مهم برای سایر فعالیتها عمل می کنند. مردم به این فضاها می آیند تا با دیگران تجربه ای مشترک داشته باشند (بنتلی، ۱۵۸، ۱۳۸۲). فعالیتهایی نظیر مشاهده، گوش دادن و تجربه کردن دیگران، به همراه مشارکتهای فعال و غیرفعال در مکان، سرزندگی و پویایی را در فضاهای عمومی ایجاد می کند (Gehl, 1986, 89-102). مکانهای جمعی موفق، فرصتهای مشارکت را برای افراد به دو صورت فعال و غیرفعال فراهم می آورند. به طور خاص، مردم تمایل دارند در فضاهایی بنشینند، بایستند و برای گفتگو تأمل کنند که سایرین نیز در آنجا حضور داشته باشند. در نهایت، نمودار تصویر ۱، رابطه ای میان مکان و تعاملات اجتماعی را نشان می دهد و می تواند نمایانگر این باشد که چگونه طراحی و ویژگیهای کالبدی یک مکان می توانند بر نوع و شدت تعاملات اجتماعی تأثیر بگذارند. توجه به این عوامل در طراحی فضاهای عمومی می تواند به افزایش کیفیت اجتماعی و تعاملات انسانی در آن مکانها کمک کند.



تصویر ۱. عوامل مکانی تأثیرگذار در تعاملات اجتماعی کاربران

فضا و مطلوبیت اجتماع پذیری آن

در مطالعه ادوارد هال، فضاها به دو دسته محیطهای اجتماعپذیر و اجتماعگریز دسته بندی شده اند. محیطهای اجتماعپذیر موجب تشویق و ترغیب تعاملات جمعی می شوند، در حالی که محیطهای اجتماعگریز به کاهش تعاملات اجتماعی منجر می شوند (Petita, 1966 & Hall). اصلی ترین دلیل مطلوب بودن اجتماعپذیری فضا این است که روابط متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیاز انسانها به احساس تعلق به یک مکان ضروری هستند. فعالیتهای تعاملی با دیگران به رشد فردی انسان کمک می کنند و زمینه های اجتماعپذیری را فراهم می آورند (صالحی نیا، ۱۳۸۸، ۱۰۲). ملاقاتهای غیررسمی که در محیطهای اجتماعپذیر رخ می دهند، به توسعه دوستیها و روابط روزمره مردم کمک می کنند. این تعاملات اجتماعی همچنین نگرش افراد با پیشینه های ذهنی و ویژگیهای متفاوت را به یکدیگر نزدیک می کند (Alexander et al., 1968). به طور خلاصه، مطلوب بودن اجتماعپذیری فضا را می توان به موارد زیر برشمرد:

الف) زمینه ساز توسعه دوستیها و روابط روزمره می شود؛

ب) به رشد فردی بهره برداران کمک می کند؛

ت) به نیاز پیوندجویی و احساس تعلق به مکان هر فرد پاسخ می دهد؛

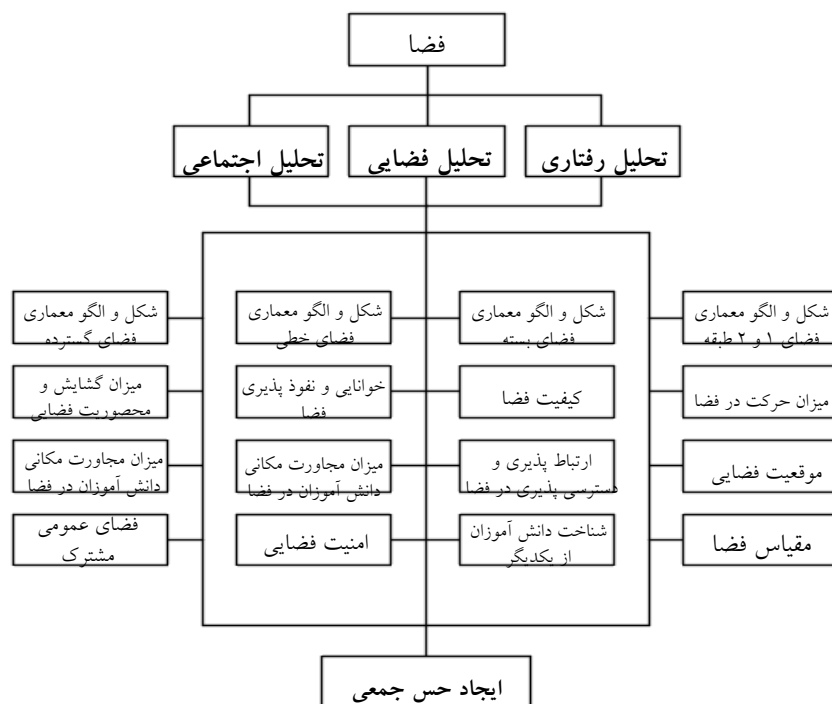
ث) وظایف و تعهدات اجتماعی را در کلیت فعالیت و عملکرد بنا روشن تر می سازد؛

ج) باعث کاهش برخوردهای غیرانسانی می گردد؛ و

ح) حمایت بیشتری را میان بهره برداران از یکدیگر به وجود می آورد. (Pourdeyhimi & Nouratkhani, 2014, 5).

اجتماع پذیری و فضاهای آموزشی

موضوع تأثیر فضاهای آموزشی بر میزان یادگیری و دیگر دستاوردهای پژوهشی، چندین دهه است که به عنوان یک محور تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف، به ویژه در روان‌شناسی محیط و طراحی فضاهای آموزشی، مورد توجه قرار گرفته است (کامل نیا، ۱۳۸۶). فضاهای اجتماع‌پذیر به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که با عملکرد خاص خود موجب جذب افراد و فراهم آوردن امکاناتی برای برخوردهای رودررو بر اساس نوع فعالیت و جذابیتی که ایجاد می‌کنند، می‌شوند. این فضاها به دلیل طراحی و کاربری خاص خود می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی ایفا کنند. به عنوان مثال، فضاهای آموزشی با هدف تسهیل یادگیری و آموزش در این مکان‌ها گرد هم می‌آیند و به عنوان محرک‌هایی برای شکل‌گیری آشنایی‌ها و تعاملات اجتماعی عمل می‌کنند (حبیب، ۱۳۸۶، ۱۱۱-۱۲۰). این تعاملات می‌توانند به تقویت روابط میان دانش‌آموزان و معلمان، تشویق به همکاری‌های گروهی و همچنین بهبود جو آموزشی کمک کنند. علاوه بر این، فضاهای دیگری مانند فضاهای اوقات فراغت نیز وجود دارند که به منظور پرمودن اوقات تنهایی و کاهش انزوا به کار می‌روند. این فضاها با ایجاد فرصت‌هایی برای تعاملات اجتماعی، می‌توانند به تقویت ارتباطات و افزایش حس تعلق افراد به یکدیگر و به جامعه کمک کنند. در مجموع، طراحی فضاهای آموزشی و دیگر فضاهای اجتماعی باید به گونه‌ای انجام شود که حداکثر تعاملات اجتماعی و یادگیری در آنها امکان‌پذیر باشد، زیرا این امر می‌تواند به بهبود و تسهیل فرآیندهای آموزشی و اجتماعی منجر شود.



تصویر ۲. ارزیابی حس جمعی در فضاهای آموزشی برگرفته از پژوهش پاسلار

فضا بر گرایش به اجتماع‌پذیری یا اجتماع‌گریزی تأثیرگذار است (تصویر ۲). در دیدگاه «تعیین‌کنندگی محیط»، بیان شده که محیط فیزیکی تأثیر عمیقی بر رفتار، ادراک و احساسات انسانی دارد. این دیدگاه بر این باور است که هر محرک محیطی، پاسخی خاص را به دنبال دارد و تمرکز آن عمدتاً بر عوامل اقلیمی و جغرافیایی است، هرچند به محیط‌های مصنوعی نیز قابل تعمیم است. محیط فیزیکی به عنوان بستری دیده می‌شود که شرایط و محدودیت‌هایی برای رفتار ایجاد می‌کند و در عین حال فقط به بروز برخی رفتارها اجازه می‌دهد، بدون این که آن‌ها را تعیین کند. در این نگاه، محیط بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و افراد می‌توانند در همان محیط رفتارهای متفاوتی داشته باشند. این دیدگاه ضمن توجه به انگیزه‌های فردی، بر اهمیت ویژگی‌های طراحی و عوامل محیط مصنوعی در احتمال بروز رفتارهای خاص تأکید می‌کند (Rapoport, 2013). بارکر نیز

معتقد است که رابطه خاصی میان ابعاد فیزیکی معماری و رفتار انسانی در محیط‌های فیزیکی - رفتاری وجود دارد (Barker, 1968). مطالعه و بررسی این رفتارها، به ویژه تعامل آن‌ها با یکدیگر و نیاز به ایجاد فضاهای رفتاری در طراحی محیطی، تأثیرات مهمی بر افزایش کارایی و بهبود تعاملات اجتماعی می‌گذارد. از دیدگاه روان‌شناسی، «فضاهای رفتاری» و «اجتماع‌پذیری» نشان‌دهنده ارزش فضایی هر محیط هستند. بنابراین، حضور دانشجویان، به‌عنوان قشری بزرگ از جامعه، می‌تواند فضاهای رفتاری را شکل دهد و در نتیجه به افزایش اجتماع‌پذیری منجر شود (Lang, 1987, 128).

ضرورت اهمیت موضوع اجتماع‌پذیری در محیط‌های دانشگاهی

در قلمروهای عمومی شهری، الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضای معماری اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا ارتباط نزدیکی بین تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم به محیط‌های اطرافشان وجود دارد (دانشگر مقدم و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین فضاهایی که بررسی آن‌ها در زمینه اجتماع‌پذیری ضروری است، فضاهای دانشگاهی هستند. دانشگاه‌ها اولین محیط‌هایی هستند که دانشجویان به‌صورت گسترده با جامعه در تعامل قرار می‌گیرند. به دلیل حضور دانشجویانی از سراسر کشور، تنوع فرهنگی در دانشگاه‌ها برجسته است و این مسئله بر اهمیت اجتماع‌پذیری این محیط‌ها می‌افزاید. امروزه، دانشگاه‌ها به‌دلیل گرایش‌های فردگرایانه موجود در جامعه، در بخش‌هایی از فضاهای عمومی خود با کمبود اجتماع‌پذیری مواجه شده‌اند. این امر مشکلاتی را در رفتار دانشجویان و تعاملات آن‌ها ایجاد کرده و مانع از ایجاد فضاهای رفتاری مطلوب می‌شود. با توجه به اینکه محیط‌های دانشگاهی می‌توانند به‌عنوان نمونه یا الگویی از شهر عمل کنند، اهمیت اجتماع‌پذیری در این مکان‌ها دوچندان می‌شود. هر رویدادی که در دانشگاه‌ها رخ می‌دهد، احتمالاً در آینده به‌شکل بزرگ‌تری در شهرها تکرار خواهد شد. بنابراین، اجتماع‌پذیری مناسب در دانشگاه‌ها و توانایی معماران و طراحان محیطی در دستیابی به این هدف می‌تواند به یافتن بهترین الگوهای تعامل اجتماعی منجر شود و به بهبود اجتماع‌پذیری در شهرها کمک کند. طراحی محیط‌های عمومی دانشگاهی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای اجتماع‌پذیری در شهرها تعبیر شود، زیرا بر اساس نظریه مازلو، انسان‌ها نیازمند برقراری روابط اجتماعی هستند. مازلو این نیاز را به نیازهای جسمی، امنیت، روابط اجتماعی، احترام و منزلت مرتبط می‌داند (گیدنز، ۱۰۹، ۱۳۷۳). گسترش روابط بین فردی، هم‌اعتمادسازی می‌کند و هم احساس تعلق اجتماعی را تقویت می‌نماید. محیط‌های آموزشی به‌ویژه توانایی بی‌نظیری در تسهیل کنش‌های گروهی و تعاملات جمعی دارند.

روش تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی و ارزیابی معیارهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی در دانشگاه‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود این فرایند است. روش تحقیق به صورت کیفی و همبستگی-پیمایشی انجام شده و شامل مطالعه تطبیقی بر روی نمونه‌های موردی است. برای تحلیل داده‌ها از ترکیبی از سه روش مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه استفاده شده است. ابتدا، عوامل محیطی مؤثر از طریق مصاحبه‌ها و مشاهدات استخراج و سپس در قالب پرسشنامه‌ای به یک نمونه بزرگ‌تر ارائه شده تا میزان تأثیر هریک بر ترجیحات مکانی دانشجویان برای تعاملات اجتماعی بررسی شود. در این راستا، روش پرسشگری به جای رفتارنگاری انتخاب شد. داده‌های به‌دست‌آمده با نرم‌افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل شده و رابطه بین متغیرها نیز به شیوه همبستگی تعیین شده است. در این پژوهش، تعاملات اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته و ویژگی‌های مکانی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، دانشجویان ۳ دانشگاه تهران، علم و صنعت و الزهرا (س) (دانشکده‌های هنر و معماری) می‌باشد. براساس روش‌های آماری، حجم نمونه با مقدار ۳۸۶ و از نوع نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. در این تحقیق کیفی، مقیاس عمده به‌عنوان معیار مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا در تهیه سؤالات، از مقیاس رتبه‌بندی لیکرت استفاده شده است. پاسخ‌ها به سؤالات شامل گزینه‌های بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم بوده‌اند. زمان تکمیل پرسشنامه‌ها نیز از آذرماه ۱۳۹۸ تا دی‌ماه ۱۳۹۸، طی یک ماه انجام شده است. همچنین، با توجه به این که فضاهای دانشگاهی (به جز دانشگاه

الزهر (س)) به طور عمومی توسط هر دو گروه زنان و مردان مورد استفاده قرار می‌گیرند، پیش‌فرض جنسیتی در این مورد لحاظ نشده است.

به منظور بررسی اجتماع‌پذیری و تعیین قرارگاه‌های رفتاری در سه دانشگاه علم و صنعت ایران، الزهرا (س)، و دانشگاه تهران، ابتدا مولفه‌های اثرگذار با بررسی تحقیقات قبلی شناسایی شدند. سپس، این مولفه‌های اصلی با استفاده از مصاحبه‌های ساختاریافته در محیط معماری این دانشگاه‌ها مورد سنجش قرار گرفتند. پس از گردآوری داده‌ها، روابط بین مؤلفه‌های مختلف از طریق تحلیل‌های نموداری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 مورد بررسی قرار گرفت. این تحلیل‌ها امکان تعیین میزان تأثیرگذاری و عملکرد مؤلفه‌های کلیدی اجتماع‌پذیری از دیدگاه کاربران فضا را فراهم نمود. داده‌های حاصل با رویکردی تلفیقی (تفسیری-توصیفی) تحلیل شدند، با این توضیح که در چارچوب این پژوهش، سطح تعمیم‌پذیری نتایج در حد متعادل در نظر گرفته شده است.

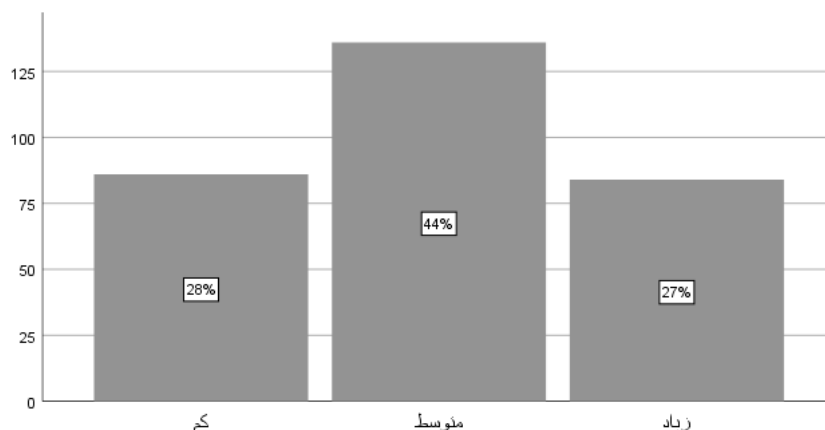
معرفی نمونه‌های مورد مطالعه

دانشگاه الزهرا (س)، که ویژه دختران است، در منطقه ده ونک تهران واقع شده و فعالیت خود را در سال ۱۳۴۳ با پذیرش ۹۰ دانشجو تحت عنوان «مدرسه عالی دختران» آغاز کرد. این دانشگاه با وسعتی معادل ۱۴ هکتار، علاوه بر فضاهای فیزیکی دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها، شامل آزمایشگاه‌ها، سایت‌ها و کارگاه‌های تخصصی، آمفی‌تئاتر، استخر، رستوران، سالن‌های ورزشی، بانک، پست و مهد کودک نیز می‌باشد (دانشگاه الزهرا، ۱۴۰۱). دانشگاه تهران، به عنوان بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران، با وسعت ۲۱۰،۰۰۰ مترمربع، یک دانشگاه دولتی است که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده و به عنوان «دانشگاه مادر» و «نماد آموزش عالی» شناخته می‌شود (دانشگاه تهران، ۱۴۰۱). دانشگاه علم و صنعت ایران، که هسته اولیه آن در سال ۱۳۰۸ شکل گرفته، در سال ۱۳۴۱ به شمال شرق تهران و به زمینی با مساحت ۴۲۰ هزار مترمربع (۴۲ هکتار) در منطقه نارمک منتقل شد. هم‌اکنون، حدود ۱۲،۰۰۰ دانشجو در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های مختلف مهندسی و علوم پایه (۴۲ رشته تخصصی) در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند (دانشگاه علم و صنعت، ۱۴۰۰).

تحلیل یافته‌ها

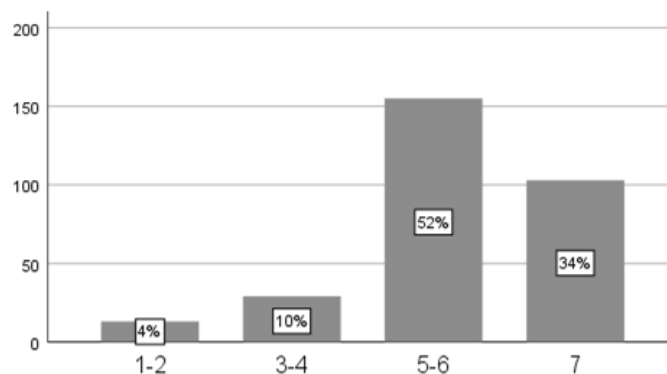
آمار توصیفی و تحلیلی

بنابر نتایج آمار توصیفی درصد مشارکت مردان بیشتر از درصد مشارکت خانم‌ها است. بدین صورت که ۵۵/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه مرد و ۴۴/۴ درصد خانم می‌باشد، و با توجه به این موضوع که دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) زن هستند. تصویر ۳ نشان می‌دهد، اکثر دانشجویان این سه دانشگاه محل سکونتشان نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک است.



تصویر ۳. فاصله محل اقامت دانشجویان با دانشگاه (برگرفته از خروجی‌های نرم افزار SPSS22)

فاصله محل سکونت اکثر پاسخ دهندگان متوسط بوده است و درصد افرادی که مسافت آنها زیاد و یا کم است ۲۷ و ۲۸ درصد است. بیشترین فراوانی افرادی که بین ۵ تا ۶ روز در هفته در دانشگاه حضور دارند است. با توجه به اینکه محل سکونت دانشجویان متوسط بوده نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک اما این افراد در دانشگاه حضور داشته و بعد از کلاس برای معاشرت با دوستان خود در دانشگاه می مانند. در دانشگاه های علم و صنعت و تهران بیشتر افراد ۵ تا ۶ روز در دانشگاه حضور دارند، در دانشگاه الزهرا (س) ۵ تا ۷ روز بیشترین فراوانی را دارند اکثر پاسخ دهندگان بعد از اتمام ساعت کلاسی در دانشگاه حضور دارند، ۶۲/۷ درصد. با اینکه مسافت دانشجویان تا منزل متوسط است اما ترجیح می دهند در دانشگاه حضور داشته باشند. (تصویر ۴)



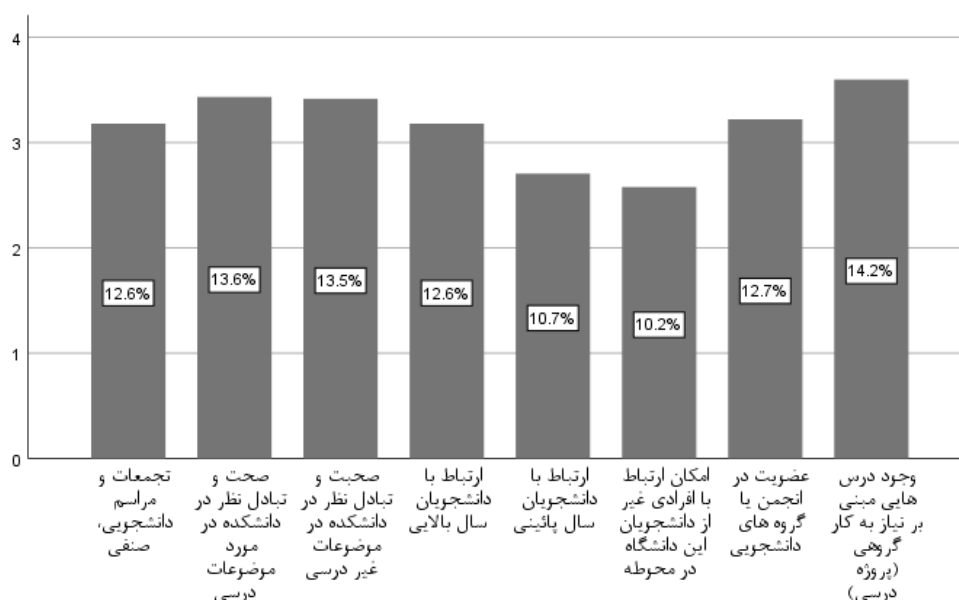
تصویر ۴. تعداد روزهای حضور دانشجویان در دانشگاه (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

افرادی که در دانشگاه می مانند علت حضورشان را وقت گذراندن با دوستان و معاشرت و تعامل اجتماعی در محوطه دانشگاه بیان نموده اند. تعداد کمی نیز در دانشگاه بعد از اتمام کلاس هایشان حضور ندارند که علت را مشغله کاری بیان نموده اند با ۳۵/۳ درصد. دانشجویان بیشترین جایی که علاقه دارند با دوستان معاشرت نمایند در محوطه دانشگاه است. همانطور که در نمودار فوق پیداست دانشجویان برای معاشرت با دوستانشان بترتیب محوطه دانشگاه، کتابخانه و سلف و بوفه را انتخاب می نمایند. در دانشگاه های علم و صنعت و تهران بیشترین فراوانی محوطه دانشگاه است و در دانشگاه الزهرا (س) سلف و بوفه است. بطور کلی امکان ایجاد ارتباط با دیگران و تعاملات اجتماعی برای دانشجویان در رستوران، بوفه و چایخانه بیشتر است. بعد از آن در محوطه و حیاط و سپس راهرو و لابی امکان ارتباط وجود دارد. (تصویر ۵)



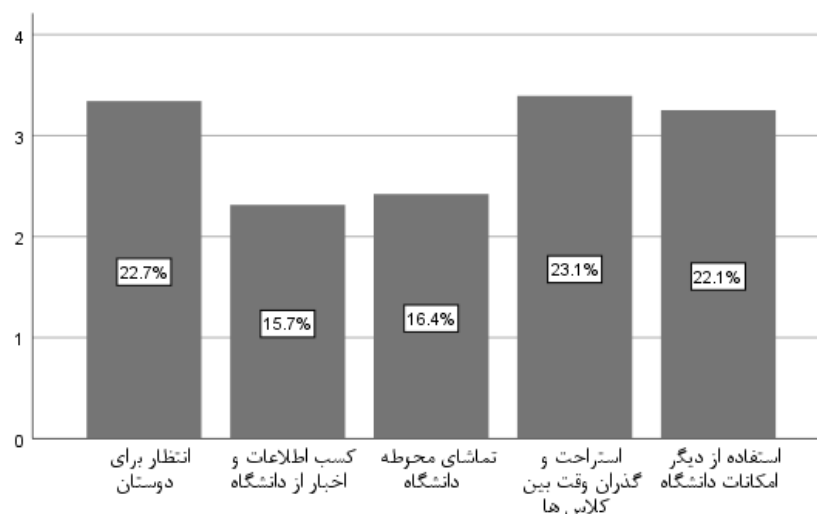
تصویر ۵. ارجحیت مکانی دانشجویان در دانشگاه برای تعاملات اجتماعی (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

همانطور که در تصویر ۶ مشاهده می گردد، بطور کلی وجود درس هایی مبنی بر نیاز کار گروهی، بیشتر موجب شکل گیری تعاملات اجتماعی در دانشجویان می شود، سپس صحبت و تبادل نظر در دانشکده درباره موضوعات درسی و غیر درسی. فلذا در طراحی فضاهای داخلی و مبلمان برای کلاس و محوطه باید دقت نمود تا امکان برقراری ارتباط بین دانشجویان و شرکت در بحث های گروهی وجود داشته باشد. (تصویر ۶)



تصویر ۶. بررسی عوامل موثر بر شکلگیری تعاملات اجتماعی بین دانشجویان (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

بطور کلی اکثر دانشجویان برای استراحت و گذران وقت و انتظار برای دوستان در فضاهای دانشگاه توقف دارند. (تصویر ۷)



تصویر ۷. بررسی علت های ماندن در دانشگاه در ساعات غیر کلاسی (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

آمار استنباطی

آزمون فرض نرمالیتی K-S

پس از انجام عملیات فوق، اگر Sig کوچک تر از ۰,۰۵ بود یعنی آزمون معنی دار شده و باید از آزمون های ناپارامتریک استفاده شود. بنابراین اگر نتیجه این آزمون معنی دار نباشد امکان استفاده از آزمون های پارامتریک وجود دارد. با توجه به اینکه Sig در خروجی سوال اول ۰/۰۹۶ می باشد و از ۰,۰۵ بزرگتر است. بنابراین توزیع داده ها در این آزمون نرمال است و امکان استفاده از آزمون های پارامتریک همانند آزمون ANOVA وجود دارد. ولی خروجی سوال ۲ و ۳ از ۰/۰۵ کمتر است و بیانگر نیاز به استفاده از آزمون های ناپارامتریک نظیر آزمون میانه است. (جدول ۱)

جدول ۱. آزمون فرض نرمالیتی K-S جهت انتخاب آزمون پارامتریک و ناپارامتریک (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

سوال ۳	سوال ۲	سوال ۱	تعداد
۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	میانگین
۲/۹۴۱۳	۳/۱۵۵۷	۳/۰۸۸۱	انحراف معیار
۰/۶۰۶۲۴	۰/۶۸۳۵۹	۰/۴۳۸۷۱	آماره کلموگروف-اسمیرنوف
۰/۰۸۱	۰/۰۷۵	۰/۰۴۷	معیار تصمیم
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	

نتیجه آزمون فرض ANOVA به علت آنکه مقدار sig از ۰/۰۵ بیشتر است بیانگر آن است که در زمینه اهمیت نوع فضا در شکل گیری تعاملات اجتماعی تفاوت معناداری بین دانشجویان سه دانشگاه وجود ندارد. این یافته به این معنا است که با اینکه هر سه دانشگاه دارای ساختمان و فضاهای معماری متفاوتی هستند ولی ویژگی های طراحی متفاوت در اهمیت مولفه های موثر بر تعاملات اجتماعی موثر نبوده است. این موضوع می تواند بیانگر این باشد که شاید فضاهای آموزشی ما به طور کلی به بعضی مولفه های طراحی موثر بر اجتماع پذیری اهمیت کمی داده است و یا اینکه این مولفه ها در دیگر فضاهای شهری نیز همین اهمیت را دارا است. (جدول ۲)

جدول ۲. آزمون آنوا (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

سطح معناداری	توزیع آماری F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	بین گروه ها
۰/۱۹۷	۱/۶۳۲	۰/۳۱۳	۰/۶۲۷	درون گروه ها
		۰/۱۹۷	۵۷/۷۹۳	کل
			۵۸/۴۲۰	

آزمون ناپارامتری میانه (Median Test)

این آزمون زمانی به کار می رود که دو یا چند گروه از میان دو یا چند جامعه مستقل با توزیع یکسان انتخاب شده اند. سوال این است که آیا بین سه جامعه (۳ دانشگاه تهران، علم و صنعت و الزهرا (س)) آیا تفاوت معناداری در اهمیت موضوع در شکل گیری تعاملات اجتماعی و همچنین علت های توقف در فضاهای دانشگاه وجود دارد؟

جدول ۳. آزمون ناپارامتری میانه (برگرفته از خروجی های نرم افزار SPSS22)

تعداد	اهمیت موضوع در شکل گیری تعاملات اجتماعی	علت های توقف در فضاهای دانشگاه
۳۰۳	۳۰۲	
میان	۳/۲۵۰۰	۳/۰۰۰۰
خی دو	۹/۸۸۱	۸/۷۰۱
سطح معناداری (sig)	۰/۰۰۷	۰/۰۱۳

نتیجه آزمون فرض میانه بیانگر آن است که بین ۳ دانشگاه تهران، علم و صنعت و الزهرا تفاوت معناداری در اهمیت موضوع در شکل گیری تعاملات اجتماعی و همچنین علت های توقف در فضاهای دانشگاه وجود دارد. (جدول ۳)

جمع بندی پژوهش

این پژوهش به منظور ارزیابی اجتماع پذیری و قرارگاه های رفتاری در سه دانشگاه الزهرا (س)، تهران و علم و صنعت ایران انجام شد. در مرحله نخست، مؤلفه های تأثیرگذار از طریق مطالعات میدانی شناسایی و استخراج گردیدند. سپس این مؤلفه ها در چارچوب مصاحبه های ساختاریافته، در بستر فضای معماری مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این راستا جدول فراوانی تعداد پاسخ دهندگان در هر سه دانشگاه در دانشکده، بیشترین فراوانی از دانشکده فنی مهندسی است. جدول فراوانی پاسخ دهندگان به تفکیک ترم، بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویان، ترم هفت به بالا ۲۰/۸ درصد است که با توجه به تحصیلات که بالاترین کارشناسی و بعد کارشناسی ارشد بوده است و همین طور بیشتر دانشجویان ترم بالا بوده اند، مشخص است که این افراد از تجربه بیشتری نسبت به دیگر دانشجویان برخوردارند و افرادی هستند که بیشتر در دانشگاه حضور داشته اند. با توجه به جدول فراوانی بدست آمده، اکثر دانشجویان این سه دانشگاه محل سکونتشان نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک است که بیشترین فراوانی برای افرادی است که بین ۵ تا ۶ روز در هفته در دانشگاه حضور دارند را شامل می شود. بر این اساس با توجه به اینکه محل سکونت دانشجویان متوسط بوده نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک اما این افراد در دانشگاه حضور داشته و بعد از کلاس برای معاشرت با دوستان خود در دانشگاه می مانند. در دانشگاه های علم و صنعت و تهران بیشتر افراد ۵ تا ۶ روز در دانشگاه حضور دارند، در دانشگاه الزهرا (س) ۵ تا ۷ روز بیشترین فراوانی را دارند. لذا اکثر پاسخ دهندگان بعد از اتمام ساعت کلاسی در دانشگاه حضور دارند، ۶۲/۷ درصد. باینکه مسافت دانشجویان تا منزل متوسط است اما ترجیح می دهند در دانشگاه حضور داشته باشند. در دانشگاه علم و صنعت و تهران، اکثرا بعد از اتمام کلاس در دانشگاه حضور دارند، در دانشگاه الزهرا (س) میزان حضور و عدم حضور یکسان است. افرادی که در دانشگاه می مانند علت حضورشان را وقت گذراندن با دوستان و معاشرت و تعامل اجتماعی در محوطه دانشگاه بیان نموده اند. در دانشگاه تهران اکثر افراد در محوطه دانشگاه با دوستان وقت می گذرانند، در صورتی که در دانشگاه های علم و صنعت و الزهرا (س) در کتابخانه و فضای ورزشی حضور دارند تعداد کمی نیز در دانشگاه بعد از اتمام کلاس هایشان حضور ندارند که علت را مشغله کاری بیان نموده اند با ۳۵/۳ درصد. در هر سه دانشگاه بصورت جداگانه نیز مورد بررسی قرار گرفته است و همانطور که مشخص است در هر سه دانشگاه از تعداد کم افرادی که گفته اند در دانشگاه بعد از کلاس حضور ندارند، پاسخ یکی است و مشغله کاری علت عدم حضور آنان است. دانشجویان این دانشگاه ها خود را افرادی اهل معاشرت و ارتباط اجتماعی معرفی نموده اند تا افرادی منزوی. در هر سه دانشگاه نیز به همین صورت است،

دانشجویان افرادی با تعاملات اجتماعی هستند. دانشجویان بیشترین جایی که علاقه دارند با دوستان معاشرت نمایند در محوطه دانشگاه است. همانطور که در نمودار پیداست دانشجویان برای معاشرت با دوستانشان بترتیب محوطه دانشگاه، کتابخانه و سلف و بوفه را انتخاب می نمایند که در دانشگاه های علم و صنعت و تهران بیشترین فراوانی محوطه دانشگاه است و در دانشگاه الزهرا (س) سلف و بوفه می باشد. به علت آنکه سوال به صورت باز بوده است در دانشگاه الزهرا لابی دانشکده الزهرا نیز به عنوان فضای تعاملات اجتماعی معرفی شده است. بنابراین بطور کلی امکان ایجاد ارتباط با دیگران و تعاملات اجتماعی برای دانشجویان در رستوران، بوفه و چاپخانه بیشتر است. بعد از آن در محوطه و حیاط و سپس راهرو و لابی امکان ارتباط وجود دارد.

■ نتیجه گیری

با توجه به اهمیت مراکز فرهنگی و آموزشی دانشگاه ها در دوره معاصر و نقش مهم آن ها در ارتقاء تعاملات اجتماعی، این پژوهش به بررسی نقش چیدمان فضایی این مراکز در افزایش اجتماع پذیری و تعیین قرارگاه های رفتاری پرداخته است. در این نگرش، چیدمان فضایی و ترتیب قرارگیری فضاها تأثیر مستقیم بر نحوه استفاده کاربران از فضاها دارد و بیانگر روابط اجتماعی معنادار است. بنابراین، کیفیت و کمیت اجتماع پذیری با هماهنگی و سازگاری بین کالبد فضا و رفتارهای استفاده کنندگان افزایش می یابد.

یافته های پژوهش نشان داد که از نظر اهمیت نوع فضا در شکل گیری تعاملات اجتماعی، تفاوت معناداری بین دانشجویان سه دانشگاه وجود ندارد. این بدین معنا است که هرچند این سه دانشگاه دارای طراحی و فضاهای معماری متفاوتی هستند، اما ویژگی های متفاوت طراحی تأثیری بر اهمیت مؤلفه های مؤثر بر تعاملات اجتماعی نداشته است. این موضوع می تواند نشان دهد که فضاهای آموزشی به طور کلی به برخی مؤلفه های طراحی مؤثر بر اجتماع پذیری اهمیت کمی داده اند یا این که این مؤلفه ها در دیگر فضاهای شهری نیز از اهمیت یکسانی برخوردارند. در عین حال، تفاوت های معناداری در اهمیت تأثیرات چیدمان فضایی بر تعاملات اجتماعی و همچنین دلایل توقف در فضاهای دانشگاهی بین دانشگاه های تهران، علم و صنعت و الزهرا مشاهده می شود. این امر نشان دهنده وجود زمینه ها و نیازهای مختلف است که ممکن است بر رفتارشناسی کاربران این فضاها تأثیر داشته باشد (جدول ۴). در این راستا، پیشنهاد می شود که در نقاط کانونی نمونه های موردی، عوامل مؤثر بر موفقیت این فضاها در شکل گیری تعاملات اجتماعی شناسایی و استخراج گردد. این اقدام می تواند راهگشای پژوهش های آینده در زمینه بررسی اجتماع پذیری فضاهای آموزشی، از جمله دانشگاه ها، باشد و به ایجاد فضاهای پویا و تعامل زا کمک کند که در نهایت به ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در دانشگاه ها منجر خواهد شد.

جدول ۴. جمع بندی یافته های پژوهش

یافته	استنباط و پیشنهاد
نوع فضا در شکل گیری تعاملات اجتماعی تفاوت معناداری بین دانشجویان سه دانشگاه وجود ندارد.	یافته به این معنا است که با اینکه هر سه دانشگاه دارای ساختمان و فضاهای معماری متفاوتی هستند ولی ویژگی های طراحی متفاوت در اهمیت مولفه های مؤثر بر تعاملات اجتماعی مؤثر نبوده است. این موضوع می تواند بیانگر این باشد که شاید فضاهای آموزشی ما به طور کلی به بعضی مولفه های طراحی مؤثر بر اجتماع پذیری اهمیت کمی داده است.
بین ۳ دانشگاه تهران، علم و صنعت و الزهرا تفاوت معناداری در اهمیت موضوع در شکل گیری تعاملات اجتماعی و همچنین علت های توقف در فضاهای دانشگاه وجود دارد	ارجحیت حضور در محوطه دانشگاه در دو تهران و علم و صنعت بیشتر از دانشکده الزهرا می باشد و بر عکس آن برای حضور در سلف، می تواند تحت تاثیر عدم حضور جنسیت مذکر در دانشگاه الزهرا و یا نوع مدیریت دانشکده باشد. ارجحیت بیشتر در حضور در کتابخانه دانشگاه تهران و الزهرا می تواند تحت تاثیر الگوی فکری غالب در دانشگاه و یا نوع طراحی کتابخانه ها باشد. (نکته، در پژوهش های آتی پیشنهاد به بررسی عوامل می شود.)

یافته	استنباط و پیشنهاد
اکثر پاسخ دهندگان بعد از اتمام ساعت کلاسی در دانشگاه حضور دارند. با اینکه مسافت دانشجویان تا منزل متوسط است اما ترجیح می دهند در دانشگاه حضور داشته باشند.	این موضوع اهمیت نیاز به وجود مکان های اجتماع پذیر در محیط های دانشگاهی را بیان می کند
بطور کلی امکان ایجاد ارتباط با دیگران و تعاملات اجتماعی برای دانشجویان در رستوران، بوفه و چاپخانه بیشتر است. بعد از آن در محوطه و حیاط و سپس راهرو و لابی امکان ارتباط وجود دارد.	اکثر دانشجویان برای استراحت و گذران وقت و انتظار برای دوستان در فضاهای دانشگاه توقف دارند. پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی نوع تفریح قالب در فضاهای دانشگاهی مورد بررسی قرارگیرد.
وجود درس هایی مبنی بر نیاز کار گروهی، بیشتر موجب شکل گیری تعاملات اجتماعی در دانشجویان می شود، سپس صحبت و تبادل نظر در دانشکده درباره موضوعات درسی و غیر درسی	در طراحی فضاهای داخلی و مبلمان برای کلاس و محوطه باید دقت نمود تا امکان برقراری ارتباط بین دانشجویان و شرکت در بحث های گروهی وجود داشته باشد

پی نوشت

1. Edward Hall
2. Lansdale

فهرست منابع

- بنتلی، ایان؛ پالمورین، سومک گلین، گراهام اسمیت. (۱۳۸۲). *محیط های پاسخده، کتاب راهنمای طراحان*. ترجمه، مصطفی بهزادفر. تهران، دانشگاه علم و صنعت. (تاریخ انتشار متن اصلی ۱۹۸۵).
- پوردیهیمی، شهرام؛ و نورتقانی، عبدالمجید. (۱۳۹۲). *هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی*. مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۱)، ۱۸۰-۳.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۶). *رویکرد پایداری در متن شهرسازی*. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۹ (۱)، ۱۲۰-۱۱۱.
- حمزه نژاد، مهدی؛ و قلیچی، پدram. (۱۳۹۷). *بررسی اجتماع پذیری و کیفیت قرارگاه های رفتاری در پارک های درون دانشگاهی، مورد مطالعاتی، پارک دانشگاه علم و صنعت ایران*. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱ (۲۵)، ۵۵-۴۵.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). *فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی*. باغ نظر، ۴ (۷)، ۱۹-۲۸.
- دانشگاه الزهرا. (۱۴۰۱). برگرفته از <https://www.alzahra.ac.ir>، تاریخ بازبایی ۱۴۰۱/۱۰/۱۰
- دانشگاه تهران. (۱۴۰۱). برگرفته از <https://ut.ac.ir>، تاریخ بازبایی ۱۴۰۱/۱۰/۱۰
- دانشگاه علم و صنعت. (۱۴۰۰). برگرفته از <https://www.iust.ac.ir>، تاریخ بازبایی ۱۴۰۱/۱۰/۱۰
- دانشگر مقدم، گلرخ، بحرینی، سیدحسین، و عینی فر، علیرضا. (۱۳۹۰). *تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت*. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۳ (۴۵)، ۳۸-۲۷.
- شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). *عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)*. باغ نظر، ۱۲ (۳۴)، ۹۳-۱۰۸.
- شریفیان، سید علی؛ مرادی نسب، حسین؛ قلمبردزفولی، مریم؛ و ملاصالحی، ودیهه. (۱۴۰۰). *تبیین مؤلفه های تأثیرگذار بر شکل گیری فضاهای اجتماع پذیر در محیط های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی، فضاهای دانشگاهی)*. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳ (۷)، ۲۰۷-۲۲۲. doi, 10.30495/jest.2021.53276.5090

- صالحی نیا، مجید. (۱۳۸۸). *تحلیل تأثیر معماری فضای شهری بر تعامل انسانی، مطالعه موردی، سنجش فضاهای اجتماعی عمومی معماری*. رساله دکتری، دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران، ایران.
- کارمونا، متیو؛ تنراک، استیون تیسدل، تیم هیت. (۱۳۸۸). *مکان های عمومی، فضاهای شهری*، ترجمه، فریبا قرائی و همکاران. تهران، انتشارات دانشگاه هنر. (تاریخ انتشار متن اصلی ۲۰۰۳).
- کامل نیا، حامد. (۱۳۸۶). *دستور زبان طراحی محیط های یادگیری، مفاهیم و تجربه ها در طراحی، مراکز پیش دبستانی، مدارس، دانشگاه ها*. تهران، سبحان نور.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۷). *بررسی نقش مؤلفه های کالبدی محیط در اجتماع پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع های فرهنگی دزفول و نیاوران*. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۲۵)، ۳۶۱-۳۷۳.
- گروتز، یورگ کورت. (۱۳۷۵). *زیبایی شناسی در معماری*. ترجمه، جهان شاه پا کزاد و عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. (تاریخ انتشار متن اصلی ۱۹۸۷).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه شناسی*. ترجمه، منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.
- لنارد، کروهست سوزان و لنارد، هنری. (۱۳۷۷). *طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی*. ترجمه، رسول مجتبی پور. معماری و شهرسازی، ۴۵-۴۴، ۸۷-۸۲.
- لنگ، جان. (۱۳۸۱). *آفرینش نظریه ی معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه، علیرضا عینی فر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران. (تاریخ انتشار متن اصلی ۱۹۸۷).

- Alexander, Christopher, Sara Ishikawa, & Murray Silverstein. (1968). *A Pattern Language Which Generates Multi-service Centers*. CA, Center for Environmental Structure Berkeley.
- Barker, Roger. (1968). *Ecological Psychology, Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior*, Stanford University Press.
- Canter, David. (1977). *The Psychology of Place*. London, Architectural Press.
- Eisenhauer, Brian W.; Krannich, Richard S.; Blahna, Dale J.. (2000). *Attachments to special places on public lands, An analysis of activities, reason for attachments, and community connections*. Society & Natural Resources, 13(5), 421-441.
- Fisher, Kevin. (2009). *Placing social interaction, An integrative approach to analyzing past built environments*. Journal of Anthropological Archaeology, 28(4), 439-457.
- Gehl, Jan. (1986). *Soft edges" in residential streets*. Scandinavian housing and planning research, 3(2), 89-102.
- Hall, Edward T. (1966). *The Hidden Dimension*. Garden City, NY, Doubleday..
- Kasali, Altuğ; & Doğan, Fehmi. (2010). *Fifth-, sixth-, and seventh-grade students' use of non-classroom spaces during recess, The case of three private schools in Izmir, Turkey*. Journal of Environmental Psychology, 30(4), 518-532.
- Lang, Jon. (1987). *Creating Architectural Theory, The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Van Nostrand Reinhold New York.
- Lansdale, Mark., Parkin, Jeniffer., Austin, Simon., & Baguley, Thom. (2011). *Designing for interaction in research environments, A case study*. Journal of Environmental Psychology, 31(4), 407-420.
- Moleski, Walter ., & Lang, Jon. (1986). *Organizational Goals and Human Needs in Office Planning*. Behavioral Issues in Office planning.
- Pasalar, Celen. (2004). *The effects of spatial layouts on students' interactions in middle schools, Multiple case analysis*. North Carolina State University. Advisors Candy Beal.

Committee Member, Frank J. Smith, Committee Member, Henry Sanoff, Committee Chair., Robin Moore, Committee Member. NCSU Libraries.

- Peters, Karin., Elands, Birgit., & Buijs, Arjen. (2010). ***Social interactions in urban parks, Stimulating social cohesion?***. *Urban forestry & urban greening*, 9(2), 93-100.
- Rapoport, Amos. (2013). ***Human Aspects of Urban Form, Towards a Man Environment Approach to Urban Form and Design***. Elsevier.
- Skjaeveland, Oddvar., & Garling, Tommy. (1997). ***Effects of interactional space on neighbouring***. *Journal of environmental psychology*, 17(3), 181-198.